

## شخصیت و جایگاه علمی حکیم میرزا حسن کرمانشاهی در تاریخ فلسفه و حکمت معاصر ایران

عباسعلی منصوری سرابی\*

### چکیده

حکیم میرزا حسن کرمانشاهی (ف ۱۳۳۶ق) یکی از حکمای بزرگ مکتب تهران است که با وجود نقش و مقام والایی که در تاریخ فلسفه معاصر ایران دارد، گمنام بوده و جایگاهش در مجامع علمی مغفول مانده است. این پژوهش تلاش نموده که با دقت و بکارگیری منابع مستند و موثق، این حکیم فاضل را به علاقمندان تاریخ حکمت معاصر ایران، مجامع علمی فلسفه و علاقمندان به فلسفه اسلامی معرفی نماید. از ویژگیها و اهداف این نوشتار میتوان به این موارد اشاره کرد: (۱) در عین حال که سعی وافری شده تا از ورود به مباحث حاشیهای پرهیز شود، اما میتوان این مقاله را مفصلترین تحقیق درباره شخصیت علمی حکیم میرزا حسن کرمانشاهی دانست؛ (۲) شناخت و بررسی اساتید میرزا حسن کرمانشاهی و نوع ارتباط او با ایشان؛ (۳) اشاره به برخی شاگردان میرزا حسن کرمانشاهی که از ایشان در منابع، کمتر نامی بمیان آمده است؛ (۴) بحثی مفصل و تحلیلی درباره مقام علمی میرزا حسن کرمانشاهی در پنج بخش: گستره مهارتی و دانشی، عمق اندیشه و قدرت تحلیل، مشرب فلسفی، جایگاه عرفان در اندیشه او، توانایی و مهارت در تدریس.

۸۹

\* استادیار گروه فلسفه اسلامی، دانشکده ادبیات دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران؛ a.mansouri@razi.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۷ نوع مقاله: پژوهشی



DOR: 20.1001.1.20089589.1401.13.2.6.1

سال ۱۳، شماره ۲  
پاییز ۱۴۰۱  
صفحات ۱۱۸ - ۸۹

**کلیدواژگان:** میرزا حسن کرمانشاهی، مکتب فلسفی تهران، فلسفه معاصر ایران، حکمای متأخر.

\* \* \*

### مقدمه

فیلسوف جامع و حکیم فاضل میرزا حسن کرمانشاهی، بگفته سیدجلال‌الدین آشتیانی جامعترین فیلسوف بعد از حکمای اربعه تهران است و تقریباً تمام اساتید فلسفه بعد از او بیواسطه یا باواسطه شاگرد وی بوده‌اند. اما با وجود چنین مقام علمی‌یی، متأسفانه نه تنها شأن و منزلت این حکیم آنگونه که باید شناخته شده نیست، بلکه مجامع علمی نیز با وی کمترین آشنایی را دارند. این پژوهش در صدد است که تحقیقی جامع در راستای معرفی وجوه مختلف زندگی و شخصیت علمی میرزا حسن کرمانشاهی ارائه کند.

### پیشینه موضوع

برغم اینکه حکیم میرزا حسن کرمانشاهی از حکمای بزرگ مکتب تهران، و در عصر خود حکیمی شناخته شده بوده، اطلاعات مربوط به او بندرت ثبت گردیده و بهمین دلیل بتدریج شهرت او رو به فراموشی رفته است. بررسی منابع و پیشینه پژوهشی، نگارنده را به این نتیجه رساند که مهمترین منبعی که توانسته اطلاعات مربوط به میرزا حسن کرمانشاهی را جمع‌آوری کند، کتاب تاریخ حکما و عرفای متأخر، اثر استاد منوچهر صدوقی سها است. او در این کتاب در هفت صفحه به معرفی میرزا حسن پرداخته است که البته اکثر متن مربوط به معرفی شاگردان اوست. معمولاً آنچه در منابع دیگر درباره میرزا حسن نوشته شده، متأثر از همین کتاب است و تلاش چندانی برای تکمیل مطالب مفقوده نشده است. در حوزه کتابهایی که موضوع آنها تاریخ کرمانشاه و یا معرفی بزرگان و مفاخر کرمانشاه است، در مورد میرزا حسن کار تحقیقی چندانی انجام نشده و معمولاً یا نامی از او ذکر نشده یا همان اطلاعات کتاب تاریخ حکما و عرفای متأخر را تکرار نموده‌اند. بعنوان مثال، کتاب مفاخر کرمانشاه (شرح حال علمای و فضلالی کرمانشاه) از علی کرجی، به همان مطالب بیان شده در کتاب صدوقی سها بسنده نموده است. کتاب زندگی‌نامه بزرگان کرمانشاه اثر فرشید یوسفی نیز به تلخیصی از مطالب کتاب صدوقی سها اکتفا نموده

۹۰



سال ۱۳، شماره ۲  
پاییز ۱۴۰۱

است. کتاب کرمانشاه و تمدن دیرینه آن از ایرج افشار، در قسمت تاریخ بزرگان کرمانشاه، حتی نامی از میرزا حسن بمیان نیاورده است. همچنین کتاب تاریخ مشاهیر کرد از بابامردوخ روحانی، در قسمت شرح حال علما و ادبا هیچ اشاره‌ی به میرزا حسن کرمانشاهی نکرده است. کتاب ارزشمند تاریخ تشیع در کرمانشاه اثر محمدعلی سلطانی که اتفاقاً موضوع آن شرح حال علما و خاندان روحانیت تشیع در کرمانشاه است، نامی از میرزا حسن نیاورده است.

وجود چنین پیشینه ضعیفی، باعث شد زمان زیادی برای گردآوری مطالب در مورد او صرف شود و منابع مکتوب با تأنی و دقت بررسی و پیگیری گردید. شاید بتوان گفت در مورد حکیم کرمانشاهی اطلاعات چندانی فراتر از آنچه در این پژوهش گردآوری شده، در دسترس نباشد. نوشتار حاضر در تلاش است که با دقت در گزینش منابع و با صبوری در تحلیل داده‌ها، تحقیقی جامع و قابل قبول در مورد احوال و سرگذشت این حکیم فاضل ارائه نماید.

### تولد و دوران زندگی در کرمانشاه

حکیم میرزا حسن کرمانشاهی، همانگونه که از پسوند نام وی مشخص است از ستارگانی بوده که از کرمانشاه طلوع نموده است. در مورد نام دقیق این حکیم فاضل در منابع اختلافی وجود دارد. اکثر منابع (شاگردان مستقیم و غیرمستقیم او) نام او را «میرزا حسن کرمانشاهی» ثبت کرده‌اند اما برخی دیگر از منابع از ایشان بعنوان «میرزا محمد حسن کرمانشاهی» یاد کرده‌اند (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۳۰: ۱۳ / ۳۷۳؛ صدوقی سه‌ا، ۱۳۵۱: ۲۰۸). همچنین ضیاءالدین دری ضمن اشاره به این مطلب که دو ماه در مجلس حکمای تهران حاضر شده، از او با نام آقامیرزا محمدحسن کرمانشاهی یاد کرده است (صدوقی سه‌ا، ۱۳۵۱: ۲۱۰).

همچنانکه صدوقی سه‌ا اشاره کرده سال دقیق تولد این حکیم بزرگ روشن نیست اما به اماره وفات ایشان میان هشتاد و نود سالگی در سال ۱۳۳۶ قمری (برابر با حدود ۱۲۹۷ شمسی)، زمان تولد ایشان بین سالهای ۱۲۴۶ تا ۱۳۵۶ قمری (۱۲۱۰ الی ۱۲۲۰ شمسی) بوده است. اطلاعات ما درباره دوران زندگی او در کرمانشاه در همین اندازه است که وی در کرمانشاه متولد شده و مقدمات تحصیل را در همین شهر گذرانده است. آقا بزرگ تهرانی محل تولد او را کرمانشاه دانسته و معتقد است او مقدمات علوم را نزد علما و فضایی کرمانشاه فراگرفته و سپس به تهران مهاجرت است (آقا بزرگ تهرانی،

۹۱



عباسعلی منصوری سرابی؛ شخصیت و جایگاه علمی حکیم میرزا حسن کرمانشاهی در تاریخ فلسفه و ...

۱۴۳۰: ۱۳ / ۳۷۳). همچنین سیدجلال‌الدین آشتیانی ضمن شرح حال سید محمد کاظم عصار و اشاره به اساتید او میگوید: «مرحوم استاد علامه میرزا حسن کرمانشاهی سطوح کتب علمی را در مسقط‌الرأس خود فراگرفت و برای تحصیل علوم عقلی و الهی عازم طهران شد» (آشتیانی، ۱۳۷۶ الف: ۱۶۰).

متأسفانه اطلاعات دیگری در مورد دوران زندگی و تحصیل او در کرمانشاه و در مورد نسب و خانواده او در دسترس نیست. عمده و بلکه همه اطلاعات موجود درباره او مربوط به دوران تحصیل و تدریس وی در تهران است. برغم اینکه نگارنده تلاش فراوانی نمود تا اطلاعاتی در مورد دوران زندگی وی در کرمانشاه پیدا کند اما هرچقدر بیشتر جستجو کردیم، مطالب کمتری یافتیم. به هر حال، یکی از نقاط ابهام در مورد حکیم میرزا حسن کرمانشاهی، دوران زندگی ایشان در کرمانشاه است.

### دوران تحصیل

همانگونه که اشاره شد، در مورد دوران تحصیل میرزا حسن در شهر کرمانشاه اطلاعاتی موجود نیست و آنچه در دسترس است، مطالب مربوط به دوران تحصیل و تدریس او در تهران است. البته گرچه درباره این مقطع از زندگی میرزا حسن اطلاعات ما نسبتاً بهتر است اما با اینهمه در اینجا نیز ما با ابهامات و مجهولات متعددی مواجهیم. یکی از این ابهامات، اطلاعات مربوط به نحوه و جزئیات سیر تحصیل میرزا حسن و اساتید اوست. بنابر گزارش آقابزرگ، میرزاحسن پس از فراگیری مقدمات علوم در زادگاهش کرمانشاه، به تهران مهاجرت نموده و در آنجا نخست به فراگیری نقلیات و سپس معقولات پرداخته است (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۳۰: ۱۳ / ۳۷۳).

هیچ گزارش و اطلاعی مربوط به تحصیلات میرزاحسن در علوم نقلی و اساتید وی در این بخش در دست نیست و بنظر میرسد گزارش آقا بزرگ، مبتنی بر اطلاعاتی مشخص در اینباب نباشد بلکه ناظر به شیوه مرسوم تحصیل در مدارس دینی آن دوران است که طلاب ابتدا به فراگیری نقلیات پرداخته و سپس بنا به علاقه و استعداد، به فراگیری علوم عقلی میپرداختند. در گزارشهایی که دیگران درباره مقام علمی او مطرح کرده‌اند - که در ادامه به آنها اشاره خواهیم کرد - هیچ اشاره‌ی به تبحر یا توانایی میرزا حسن در علوم نقلی و حدیث و تفسیر نشده است. توانایی و مهارت و مقام علمی او تنها در فلسفه بوده است، البته همچنانکه در ادامه بتفصیل خواهیم گفت، میرزا در عرفان نظری و ریاضیات و

طب نیز صاحب مهارت و توانایی بوده است.

به هر حال آنچه در مورد دوران تحصیل و اساتید میرزا حسن کرمانشاهی شهرت دارد و در منابع متعدد تکرار شده، اینست که او در تهران از محضر اساتید بزرگ زمان خود بهره برده است. در منابع معمولاً اساتید میرزا حسن در تهران را چهار فیلسوف برجسته مکتب تهران معرفی میکنند: آقا محمدرضا قمشه‌یی، آقا علی زنوزی، ابوالحسن جلوه و میرزا حسن نوری. بعنوان مثال آقا بزرگ تهرانی تصریح میکند که میرزا حسن مدتی ملازم آقا علی زنوزی و ابوالحسن جلوه بوده است (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۳۰: ۱۳/۳۷۳) همچنین صدوقی سه‌ها در کتاب تاریخ حکما و عرفای متأخر از همین چهار نفر بعنوان اساتید میرزا حسن نام برده است (صدوقی سه‌ها، ۱۳۸۱: ۴۳۳) همچنین استاد مطهری در کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران که طبقات حکما را برشمرده، در طبقه سی و یکم در مورد میرزا حسن کرمانشاهی میگوید:

میرزا حسن کرمانشاهی، معاصر اشکوری و شاگرد سه استاد مسلم یاد شده (آقا علی حکیم، حکیم جلوه و محمدرضا قمشه‌ای) است. او نیز شاگردان بسیاری تربیت کرده است و از ارکان انتقال فلسفه به طبقات متأخرتر است. میرزا در سال ۱۳۳۶ درگذشته است» (مطهری، ۱۳۹۰: ۱۴/۵۳۲).

منابع دیگری نیز بهمین مطلب اشاره کرده‌اند. از جمله، نویسنده مقاله «مدارس قدیم تهران»، در ضمن معرفی مدرسه صدر و معرفی آقا محمدرضا قمشه‌ای مینویسد: از شاگردان او آقا میرزا حسن کرمانشاهی (ف. ۱۳۳۶ق) است که پس از تحصیل علوم عقلی در محضر قمشه‌ای و آقا علی مدرس زنوزی و جلوه و آقا میرزا حسن پسر ملا علی نوری، خود سری از سران حکمت شد و در مدرسه دانگی و سپهسالار قدیم تهران به تدریس این علوم پرداخت» (کسائی، ۱۳۷۷: ۱۲۱).

۹۳

کدیور نیز در مقاله «رساله وجود رابطنی آقا علی مدرس»، میرزا حسن را از شاگردان آقا علی میدانند (کدیور، ۱۳۷۵: ۲۸).

آنچه بیان شد مشهورترین روایتها و نقل قولها در مورد دوران تحصیل میرزا حسن و اساتید اوست، اما جزئیات مربوط به تحصیل و اساتید او، موضوعی است که نیاز به بررسی و تحلیل بیشتر دارد. چراکه مدت و کیفیت تحصیل میرزا حسن در حوزه تهران مشخص



نیست، یعنی معلوم نیست که او در چه مدرسی مشغول تحصیل بوده و در مجلس درس هر استاد چه مدت حضور داشته یا چه کتابهایی را آموزش دیده است. در ادامه تلاش خواهیم کرد که جزئیات مربوط به دوران تحصیل میرزاحسن و اساتید او با تتبع و تأمل بیشتری بررسی کنیم.

### دوران تحصیل در تهران

در این بخش سعی میشود با توجه به داده‌های موجود، جزئیات و چند و چون مربوط به دوره تحصیل میرزا حسن کرمانشاهی در تهران بررسی و واکاوی شود. از آنجایی که همه منابع و گزارشهایی که از میرزا حسن یاد کرده‌اند، به اتفاق، زمان مرگ وی را سال ۱۳۳۶ قمری دانسته‌اند و همچنانکه که صدوقی سه‌ا اشاره کرده، او در زمان وفات هشتاد تا نود سال داشته، تولد وی بین سال ۱۲۴۵ تا سال ۱۲۵۵ قمری بوده است (صدوقی سه‌ا، ۱۳۸۱: ۴۳۷). اگر میانه این گمانه‌ها را در نظر بگیریم باید مدت عمر میرزا حسن را حدود ۸۵ سال و زمان تولد او را حدود سال ۱۲۵۰ ق (برابر با حدود ۱۲۱۳ شمسی) لحاظ کنیم. متأسفانه معلوم نیست که میرزاحسن در چه سنی و در چه سالی به تهران مهاجرت کرده و همین مسئله، بررسی مسائل مربوط به تحصیل میرزا و اساتید او در تهران را دشوار ساخته است. اگر سن فراغت از مقدمات و مهاجرت میرزا حسن به تهران را حدود بیست سالگی وی در نظر بگیریم، میرزا باید حدود سال ۱۲۷۰ ق به تهران مهاجرت کرده باشد. هیچ گزارش یا نقل‌قولی مبنی بر مهاجرت میرزا حسن به قم، اصفهان، نجف در دست نیست و ظاهراً او بطور مستقیم کرمانشاه را بسوی تهران ترک کرده و در همانجا نیز ماندگار شده است. علت مهاجرت میرزاحسن به تهران هم میتواند بدلیل علایق فلسفی او بوده باشد و هم بخاطر فراگیری سطوح، زیرا همچنانکه محققان علاقمند به پژوهش در حوزه مکتب تهران و مدارس آن گفته‌اند، تهران در آن دوره از مرکزیت نسبی در آموزش مقدمات و سطوح حوزوی برخوردار بوده و بسیاری از طلاب، مقدمات و سطوح یا هر دو را در تهران می‌آموختند و آنگاه برای ادامه تحصیل به نجف سفر میکردند (شیخ، ۱۳۹۷: ۳۰). به هر حال، برای ما روشن نیست که میرزا حسن در بدو ورود به تهران به کدام مدرسه رفته و منقولات و اولیات از معقولات از چه کسانی فراگرفته است. با این وصف، در ادامه سعی خواهد شد که به مهمترین بخش از زندگی علمی میرزاحسن یعنی چند و چون و نحوه تحصیل او نزد اساتید چهارگانه که - به آنها اشاره شد - را بررسی کنیم.

## اساتید میرزا حسن کرمانشاهی

همانطور که در ابتدای این بخش گذشت، مشهور اینست که میرزا حسن فلسفه را در محضر چهار استاد معروف تهران (آقا محمدرضا قمشه‌ای، آقا علی زنوزی، ابوالحسن جلوه و میرزا حسن نوری) آموخته است. در ادامه بنحوه تحصیل میرزا نزد این اساتید میپردازیم.

### ۱. آقا علی مدرس

آقا علی مدرس طهرانی (۱۳۰۷-۱۲۳۴ق) معروف به حکیم مؤسس، فرزند ملا عبدالله زنوزی، یکی از حکمای چهارگانه حوزه فلسفی تهران است که در فلسفه، مشرب صدرایی دارد. البته در برخی از مسائل فلسفی از جمله معاد جسمانی با ملاصدرا مخالفت کرده و در این زمینه دست به ابتکاراتی نیز زده که علت شهرت وی به حکیم مؤسس شده است. بدایع الحکم از مهمترین آثار فلسفی اوست. سایر آثار وی تحت عنوان مجموعه مصنفات حکیم مؤسس آقا علی مدرس طهرانی گردآوری شده است. شرح حال و مقام فلسفی او موضوع بحث این نوشتار نیست؛ آنچه در اینجا باید مورد تأمل قرار گیرد اینست که آیا میرزا حسن در محضر درس ایشان بصورت مستمر و در مدت قابل توجهی حاضر بوده و اگر پاسخ مثبت باشد، نحوه این حضور چگونه بوده است؟

پاسخ به این پرسش منوط به بررسی چگونگی و زمان حضور حکیم زنوزی در تهران است. آقا علی بعد از فوت پدرش ملا عبدالله زنوزی در سال ۱۲۵۷ قمری برای ادامه تحصیل از تهران به اصفهان سفر کرد. او پنج سال در اصفهان و قزوین مشغول فراگیری دروس معقول بوده است و حدود سال ۱۲۶۲ به تهران باز میگردد. پس از برگشت به تهران ابتدا هفت سال در مدرسه قاسم خان (معروف به مادرشاه منسوب به مهد علیا مادر ناصرالدین شاه) مشغول تدریس فلسفه میشود. از آنجایی که از یکسو، وقف‌نامه مدرسه قاسم خان که در آن، آقا علی بعنوان مدرس تعیین شده، مربوط به سال ۱۲۶۴ است و از سوی دیگر، بر اساس زندگینامه دستنوشته آقا علی، میتوان گفت وی هفت سال در این مدرسه مشغول تدریس بوده است (کدیور، ۱۳۷۸: ۱/۳۲). بنابراین زمان تدریس آقا علی در این مدرسه احتمالاً از سال ۱۲۶۴ تا ۱۲۷۱ بوده است.

برخی منابع بر این نکته تأکید دارند که آقا علی مدرس بیست سال در مدرسه سپهسالار مشغول تدریس بوده است (کدیور، ۱۳۷۸: ۱/۳۳). از آنجایی که مدرسه سپهسالار جدید سال ۱۲۹۸ تأسیس شده و احتمالاً حدوداً در سال ۱۳۰۰ بصورت رسمی

۹۵



عباسعلی منصوری سرابی؛ شخصیت و جایگاه علمی حکیم میرزا حسن کرمانشاهی در تاریخ فلسفه و ...

در آن تدریس آغاز شده و با توجه به اینکه آقا علی در سال ۱۳۰۷ دار فانی را وداع گفته، پس او در مجموع حدود هشت سال در سپهسالار جدید و حدود دوازده سال در سپهسالار قدیم مشغول تدریس بوه است. البته این احتمال نیز بعید نیست که بیست سال تدریس آقا علی در مدرسه سپهسالار مربوط به همان مدرسه سپهسالار قدیم باشد و البته پس از تأسیس مدرسه سپهسالار جدید نیز همچنان در آنجا مشغول تدریس بوده باشد. زیرا برخی منابع اینگونه گزارش کرده‌اند که آقا علی بعد از تدریس در مدرسه قاسم خان چند سالی در خانه خود مشغول تدریس شده تا اینکه در سال ۱۲۸۱ وارد مدرس مدرسه سپهسالار قدیم میشود و بیست سال در این مدرسه تدریس میکند (طارمی، ۱۳۷۷: ب: ۲). با وجود این، سالهای تدریس آقا علی مدرس در مدارس و حوزه‌های تهران به اجمال به شرح زیر بوده است:

(۱) تدریس در مدرسه قاسم خان به مدت هفت سال و احتمالاً بین سالهای ۱۲۶۲ تا ۱۲۷۱.  
(۲) تدریس در منزل شخصی خود که مدت زمان آن مشخص نیست. بین سالهای ۱۲۷۲ تا ۱۲۸۲.

(۳) تدریس در مدرسه سپهسالار قدیم (مدرسه میرزا محمد خان سپهسالار). حدوداً از سال ۱۲۸۱ تا ۱۲۹۹.

(۴) تدریس در مدرسه سپهسالار جدید. از حدود سال ۱۳۰۰ تا سال وفات او در ۱۳۰۷ ق.  
اینکه میرزا حسن کرمانشاهی در کدام یک از این مدارس در جلسات درس آقا علی مدرس شرکت میکرده، مشخص نیست. از آنجایی که سال ورود میرزا حسن به تهران بطور دقیق روشن نیست، اگر سال ورود او را حدود بیست سالگی میرزا یعنی حدود سال ۱۲۷۰ قمری بدانیم و شاگردی میرزا حسن در محضر آقای علی را قطعی تلقی کنیم، میرزا حسن در مدرسه قاسم خان در مجلس درس آقا علی حضور نداشته است و احتمالاً حضور او بعنوان شاگرد یا به دوران تدریس آقا علی در منزل شخصی بازگردد یا به سالهای اولیه تدریس آقا علی در مدرسه سپهسالار قدیم.

۹۶

بسیار بعید است که میرزا حسن در مدرسه سپهسالار جدید همچنان در مجلس درس آقا علی در مقام شاگرد حاضر شده باشد زیرا اولاً، سن او در آغاز کار مدرسه سپهسالار جدید حدود پنجاه سال بوده و ثانیاً، گزارشهایی وجود دارد که او در مدرسه سپهسالار قدیم به مقام مدرس رسیده و در این مدرسه مشغول تدریس معقولات بوده است. از جمله آقا میرزا اسدالله گلپایگانی مینویسد:





فخر الحکما آقا میرزا حسن کرمانشاهی ساکن تهران، شاگرد آقا علی مدرس... در مدرسه سپهسالار قدیم، شفا و اسفار و شرح اشارات میگفت. آدم نیکی است. نگارنده چندی از او استفاده نموده از معمرین حکمای این عصر است سلمه الله (ایزدگشسب، ۱۳۴۵: ۹۹).

همچنین نویسنده کتاب مکتب حکمی تهران در مورد مدرسان مدرسه سپهسالار قدیم اینگونه آورده که مدرس معروف این مدرسه آقا علی زنوزی بوده است که از بدو تأسیس تا زمان مرگ به مدت بیست سال در این مدرسه تدریس نموده، شیخ حیدر نهبانندی و شیخ غلامعلی شیرازی و میرزا حسن کرمانشاهی از دیگر استادان این مدرسه بوده‌اند (شیخ، ۱۳۹۷: ۲۵). به هر حال، مشهور اینست که آقا علی مدرس یکی از اساتید میرزا حسن بوده است، اما در بررسی سالهای حضور میرزا حسن و آقا علی مدرس در تهران نکاتی دیده میشود که ارتباط این دو حکیم در قالب استاد و شاگرد را بمعنای واقعی و مصطلح کلمه مورد تردید و تأمل قرار میدهد:

نکته نخست: از آنجاکه بنا بر توضیحات بالا، شاگردی میرزا حسن در مجلس درس آقا علی مربوط به دوره تدریس وی در سپهسالار قدیم است، میرزا حسن هنگام تحصیل در محضر آقا علی حدوداً سی سال داشته و حتماً مقدمات و سطوح را گذرانده و با توجه به اینکه میرزا در همین مدرسه به مقام استادی رسیده، اگر برای آقای علی در حکم شاگرد بوده باشد، حتماً جزو شاگردان خاص وی بوده است. اما تحقیقها و پژوهشهایی که در مورد زندگی آقای علی مدرس وجود دارد و شاگردان او را معرفی نموده، نه تنها از میرزا حسن بعنوان شاگرد خاص و ممتاز آقا علی یاد نکرده، بلکه حتی گاهی اسم او را در فهرست شاگردان زنوزی ذکر نکرده‌اند. بعنوان مثال صدوقی سه‌ها در کتاب تاریخ حکمای متأخر در بیان شاگردان آقا علی مدرس از چهل و چهار نفر نام میبرد که در آنها اسمی از میرزا حسن بعنوان شاگرد بمیان نیاورده است.

نکته دوم: موضوع اختلاف سنی میان این دو حکیم است. از آنجا که سال تولد آقا علی زنوزی ۱۲۳۴ بوده است اگر سال تولد میرزا حسن را ۱۲۴۵ یا ۱۲۵۰ بدانیم، اختلاف سنی این استاد و شاگرد حدود ۱۱ تا ۱۶ سال خواهد بود. با توجه به اینکه میرزا حسن خیلی زود به مقام استادی رسیده، بعید است که در بلند مدت و بمعنای مصطلح کلمه شاگرد درس آقا علی بوده و کتابهایی را نزد ایشان از اول تا آخر خوانده باشد. بنابراین بعید نیست

۹۷



عباسعلی منصوری سرابی؛ شخصیت و جایگاه علمی حکیم میرزا حسن کرمانشاهی در تاریخ فلسفه و ...

که واقعیت امر این باشد که حضور میرزا حسن در مجلس درس آقا علی مدرس، کوتاه مدت و حتی بنوعی برای رفع اشکال و تعمیق مطالب بوده باشد.

## ۲. ابوالحسن جلوه

سید ابوالحسن طباطبایی، معروف به حکیم جلوه (۱۳۱۴ - ۱۲۳۸ق) یکی دیگر از حکمای اربعه تهران است. وی از فلاسفه بزرگ معاصر ایران است که بیشتر به حکمت مشاء تمایل داشته است.

در بخش «دوران تحصیل میرزا حسن در تهران» گفته شد که ابوالحسن جلوه یکی از چهار استاد وی بوده است. حتی برخی همچون استاد همایی معتقدند که بهترین شاگرد آقا محمدرضا قمشه‌ای، جهانگیر خان قشقائی اصفهانی و میرزا هاشم اشکوری بوده است. و بهترین شاگردان جلوه در طهران میرزا حسن کرمانشاهی و آقا علی مدرس مدرسه سپهسالار بوده‌اند (همایی، ۱۳۴۶: ۲۸۷). البته سخن همایی در مورد اینکه آقا علی شاگرد حکیم جلوه بوده‌اند، صحیح نیست.

حکیم جلوه در سال ۱۲۳۸ قمری در اصفهان بدنیا آمد و در سال ۱۲۷۳ در سن ۳۵ سالگی بدلیل نارضایتی از اصفهان به تهران مهاجرت کرده و بمدت چهل و یک سال تا سال وفاتش در مدرسه دارالشفاء مشغول تدریس و زندگی بوده است. ظاهراً او زن و فرزندی نداشته است و حجره این مدرسه، محل زندگی او بوده است (طارمی، ۱۳۷۷الف: ۶؛ شیخ، ۱۳۹۷: ۲۲). آغاز تدریس او در مدرسه دارالشفاء سال ۱۲۸۴ قمری بوده است. جلوه به تدریس و تعلیم آثار ملاصدرا میپرداخته ولی علاقه اصلی وی فلسفه ابن‌سینا و مکتب مشاء بوده است (نصر، ۱۳۸۵: ۳۱) از آنجایی که میرزا حسن در حکمت مشاء مهارت و شهرت داشته و حکیم جلوه نیز مشی و علایق مشائی داشته است، ممکن است این شبهه پیش بیاید که علاقه و اشتیاق میرزا حسن کرمانشاهی به فلسفه مشائی تحت تأثیر حکیم جلوه بوده است. اما چند نکته درباره رابطه استاد - شاگردی حکیم جلوه و میرزا حسن کرمانشاهی محل تأمل است:

(۱) حکیم جلوه از اساتید مشهور مکتب تهران است؛ همچنین میرزا حسن کرمانشاهی در زمان خود نه تنها گمنام نبوده، بلکه در مدارس علمی، فردی شناخته شده بوده است. اما با وجود این، هیچ گزارش دقیقی یا جزیی درباره اینکه میرزا حسن در کدام مدرسه و چه مدت در کلاسهای درس حکیم جلوه شرکت میکرده یا چه کتابهایی را نزد او خوانده

بدست ما نرسیده است. همچنین هیچ گزارشی یا حکایتی در مورد مناسبات و نسبت این دو حکیم در دست نیست، حتی صدوقی سه‌ها در کتاب تاریخ حکمای متأخر در شرح حال جلوه، نام ۸۶ نفر از شاگردان او را بر شمرده، اما اسمی از میرزا حسن کرمانشاهی بمیان نیاورده است. همچنین در شرح حال حکیم جلوه گرچه گفته میشود که پس از او میرزا حسن مدرس مدرسه سپهسالار شد، اما از میرزا بعنوان شاگرد ممتاز و حتی یکی از شاگردان ممتاز او سخنی نرفته است. این مسائل میتواند به نفع این دیدگاه تلقی گردد که میرزا حسن بصورت مستمر و طولانی مدت و بعنوان شاگرد بمعنای دقیق و مصطلح کلمه در جلسات درس حکیم جلوه حاضر نبوده است.

(۲) اختلاف سنی میرزا حسن با حکیم جلوه حدود ده سال است. گرچه این نکته بتنهایی دلیلی بر استبعاد رابطه استاد - شاگردی میان این دو حکیم نیست، اما از آنجاییکه حکیم کرمانشاهی خیلی زود به مقام مدرس در مدارس مختلف تهران رسیده است، باید میرزا همزمان که در جلسات حکیم جلوه شرکت میکرد، مدرس هم بوده باشد و این مسئله، استفاده میرزا حسن از جلسات حکیم جلوه را بعنوان شاگرد رسمی، مورد تردید قرار میدهد.

(۳) جلوه ناقد فلسفه صدرایی بوده، اما نگاه میرزا حسن به فلسفه صدرایی نه تنها نقادانه نبوده، بلکه او بر این باور بوده که حکیم جلوه در فهم برخی از مباحث ملاصدرا حیران بوده است. این نکته نشان میدهد که میرزا حسن در جلسات درس حکیم جلوه حضور داشته، اما بلحاظ علمی در مقام یک شاگرد مرسوم نبوده، بلکه شاگردی بوده که احساس میکرد که درستی نقدهای حکیم جلوه بر آراء ملاصدرا محل تردید و نقد است، یعنی میرزا حسن در مقامی بوده که میتواند در مباحث فلسفی نسبت به جلوه مستقل الرأی باشد.

### ۳. آقا محمدرضا قمشه‌ای

حکیم میرزا محمدرضا قمشه‌ای (۱۳۰۶-۱۲۴۱ق) از حکما و عرفای شیعه قرن سیزدهم و یکی دیگر از حکمای اربعه مکتب فلسفی تهران است. او در سال ۱۲۹۴ قمری از اصفهان به تهران مهاجرت نمود و در مدرسه صدر مشغول تدریس شد. از او تألیفات بسیاری برجای مانده است (صدوقی سه‌ها، ۱۳۸۱: ۲۶۵؛ شیخ، ۱۳۹۷: ۲۲). شرح تفصیلی احوال و فعالیت‌های او در کتاب مجموعه آثار حکیم سه‌ها در بخش «زندگینامه



عارف الهی آقا محمدرضا قمشه‌ای» در دسترس است.

از حکیم آقا محمدرضا قمشه‌ای بعنوان یکی از اساتید میرزا حسن کرمانشاهی، نام برده شده است. صدوقی سه‌ها از استاد خود، ابوالحسن قزوینی نقل میکند که میرزا حسن مدتی زینت‌بخش مجلس تحقیق آقا محمدرضا قمشه‌ای بوده است (صدوقی سه‌ها، ۱۳۸۱: ۴۳۲). همچنین نویسنده کتاب تاریخ حکمی تهران، هنگام معرفی شاگردان آقا محمدرضا قمشه‌ای، از میرزا حسن کرمانشاهی نیز یاد کرده است (شیخ، ۱۳۹۷: ۱۴۶). سیدحسین نصر نیز در بیان حالات آقا محمدرضا قمشه‌ای، میرزا حسن را جزو شاگردان او معرفی میکند (نصر، ۱۳۸۵: ۳۱). اما با اینهمه، در مورد اینکه میرزا حسن در کدام مدرسه و چه مدت در مجلس درس حکیم قمشه‌ای حاضر شده و یا چه کتابهایی را نزد وی آموخته، چیزی در دست نیست. احتمالاً میرزا حسن در مدرسه صدر در جلسات درس حکیم قمشه‌ای شرکت میکرده، زیرا محل تدریس حکیم قمشه‌ای مدرسه صدر بوده و میرزا حسن نیز در این مدرسه حضور داشته است، به این قرینه که محمدتقی آملی در سنین پیری میرزا حسن، در همین مدرسه در مجلس درس او شرکت کرده است.

اما در مورد سایر جزئیات، نه تنها گزارشی در دست نیست، بلکه شواهد و تحلیل‌های قابل تأملی وجود دارد که نشان میدهد که نسبت و ارتباط حکیم قمشه‌ای و حکیم کرمانشاهی بصورت استاد و شاگردی مصطلح نبوده است و احتمالاً میرزا حسن مدتی بسیار کوتاه یا برای پرسش و پاسخ یا تعمیق مطالب در مجلس درس حکیم قمشه‌ای حاضر میشده است؛ گرچه این تشکیک در مورد آقا علی مدرس و حکیم جلوه نیز تا حدودی وجود دارد، اما در مورد حکیم قمشه‌ای این تردید و تشکیک بسیار جدیتر است.

#### ۴. آقا میرزا حسن نوری

میرزا محمدحسن فرزند آخوند ملاعلی نوری، از علما و حکمای قرن سیزدهم هجری، جامع معقول و منقول و از افاضل مدرسین حکمت، در اصفهان بدنیا آمد و نزد پدر خود و سایر علمای اصفهان به تحصیل پرداخته و سپس مشغول تدریس شد. او در زمان صدارت میرزا آقاخان نوری (بین سالهای ۱۲۶۸ تا ۱۲۷۵ق) به تهران مهاجرت کرده و مورد تکریم میرزا آقاخان قرار گرفت.

در معرفی و شرح حال میرزا حسن کرمانشاهی، از آقا میرزا حسن نوری بعنوان یکی از اساتید وی نام برده میشود. بعنوان مثال صدوقی سه‌ها از علی‌اکبر دانا سرشت و او از آقا

۱۰۰



ضیاء دری نقل میکند که میرزا حسن کرمانشاهی از شاگردان آقا میرزا حسن نوری فرزند آخوند ملا علی نوری بوده که در مدرسه مروی تدریس میکرد است (صدوقی سه‌ها، ۱۳۸۱: ۴۳۲). همچنین سیدجلال‌الدین آشتیانی مینویسد: «از قراری که استاد آقا میرزا احمد آشتیانی میفرمود، آقا میرزا حسن کرمانشاهی مدتی به درس حکیم متأله، آقا میرزا حسن نوری، حاضر میشده است» (آشتیانی، ۱۳۷۵ الف: ۳۲). همچنین آشتیانی ضمن شرح حال سیدمحمدکاظم عصار و اشاره به اساتید او مینویسد:

آقا میرزا حسن مدتی نزد میرزا محمد حسن فرزند بزرگ آخوند نوری در تهران تحصیل نمود و کتب صدرالمآلهین را از آقا میرزا محمد حسن که در سن نزدیک به کهولت بسر میبرد، فرا گرفت (آشتیانی، ۱۳۷۶ الف: ۱۶۰).

از آنجایی که سال وفات میرزا محمدحسن نوری معلوم نیست و ما نمیدانیم که وی چه مدت در تهران و در چه مدارسی تدریس میکرد، نمیتوانیم تحلیلی دقیق در مورد چند و چون شرکت میرزا حسن کرمانشاهی در جلسات درس میرزا حسن نوری ارائه دهیم. اما دو نکته ما را در این مسئله که میرزا حسن کرمانشاهی بصورت مستمر و به مدت نسبتاً طولانی در جلسات درس میرزا حسن نوری شرکت میکرده و رابطه او با این استاد رابطه استاد - شاگردی بمعنای مصطلح کلمه بوده، مردد میسازد:

نخست اینکه، هنگام ذکر شاگردان او معمولاً از میرزا حسن کرمانشاهی نامی برده نمیشود، بلکه معمولاً شاگردان وی را بزرگانی همچون آقاعلی مدرس زنوزی، ملاحیدر صباغ لنجانی، میرزا ابوالحسن جلوه، ملاعبدالجواد خراسانی، حاج ملا اسماعیل حکیم درکوشکی و آقامحمدرضا قمشه‌ای معرفی میکنند.

دوم اینکه، حضور میرزا حسن نوری در تهران در دوران تقریباً کهولت وی بوده، بنابراین بنظر میرسد مجلس درس او احتمالاً برای مبتدیان نبوده است؛ اسامی شاگردان او نیز دلالت بر همین مسئله دارد، چراکه شاگردان وی همه از بزرگان حوزه تهران بوده‌اند، اما ورود میرزا حسن کرمانشاهی به تهران تقریباً همزمان با ورود میرزا حسن نوری به تهران بوده (یعنی حدود سال ۱۲۷۰ قمری) و بعید است که میرزا توانسته باشد در بدو ورود به تهران در این مجلس درس حاضر و به مدت طولانی در جمع شاگردان میرزا حسن نوری حاضر شده باشد. البته این سخن به معنای این نیست که میرزا حسن کرمانشاهی در جلسات درس این استاد حضور نداشته و از او بهره نگرفته، بلکه سخن

۱۰۱



عباسعلی منصوری سرابی؛ شخصیت و جایگاه علمی حکیم میرزا حسن کرمانشاهی در تاریخ فلسفه و ...

درباره مدت حضور و کیفیت بهره‌گیری وی از این استاد والا مقام است. در مورد دوران تحصیل میرزا حسن کرمانشاهی در تهران شهرت دارد اینست که میرزاحسن فلسفه را از طریق شرکت در مجلس درس چهار استاد مشهور زمانه خود که به آنها اشاره شد، آموخته است. اما شواهد و تحلیلهایی که در بخش پیشین گذشت، این رأی مشهور را محل تأمل و تردید قرار میدهد و این احتمال را مطرح میسازد که میرزا حسن کرمانشاهی فلسفه را بیشتر بصورت خودخوان فرا گرفته باشد و حضور او در مجالس درس این بزرگان به مدت طولانی و مستمر نبوده و رابطه میرزاحسن با این بزرگان رابطه استاد شاگردی بمعنای واقعی و مصطلح کلمه نبوده بلکه ماجرا اینگونه بوده باشد که میرزاحسن در پیمودن طریق حکمت بموازات شرکت در دروس این اساتید مطالعات شخصی نیز داشته است و بیشتر وقت خود در فراگیر فلسفه را در همین راه صرف کرده است. مهمترین شاهد بر این مدعا و فرضیه، همان جزئیات مربوط به دوران تحصیل میرزا حسن در تهران است. شواهد و تحلیلهای قابل تأملی وجود دارد که نشان میدهد که رابطه میرزا حسن با بزرگانی که در مقام استاد او هستند، رابطه استاد - شاگردی بمعنای واقعی و مصطلح کلمه نیست و این تشکیک تقریباً در مورد همه اساتید وی صادق بوده و مختص به یک استاد نیست. اگر میرزا حسن مسیر تحصیل را بصورت استاد - شاگردی و بطور مستمر در محضر این اساتید آموخته باشد باید در گزارشهای مختلف درباره نسبت وی با اساتیدش اطلاعات بیشتری به ما میرسید و در صورتیکه چنین نیست.

### برخی از شاگردان میرزا

نقطه قوت زندگی علمی حکیم میرزا حسن کرمانشاهی، شاگردپروری اوست، بگونه‌یی که اکثر بزرگان فلسفه در ایران با واسطه شاگردان وی محسوب میشوند و او حلقه انتقال فلسفه به زمانه ما بوده است. سیدجلال‌الدین آشتیانی در مقدمه کتاب مجموعه آثار سیدمحمدکاظم عصار به شاگردپروری بودن میرزا حسن اینگونه اشاره کرده است: «اغلب اساتید نامدار و دانشمندان دوره اخیر، حوزه تدریس او را درک کرده‌اند» (عصار، ۱۳۷۶: ۳). مهمترین پژوهشی که توانسته شاگردان مستقیم میرزاحسن در فلسفه را احصا کند، کتاب تاریخ حکما و عرفای متأخر تألیف منوچهر صدوقی سه‌ها است. او در این کتاب نام سی و دو نفر از شاگردان میرزا را با ذکر منبع برشمرده که در ادامه به برخی از آنها اشاره خواهد شد و البته سعی شده که یافته‌های جدید در این حوزه نیز مطرح و بررسی شود.

۱۰۲



سال ۱۳، شماره ۲  
پاییز ۱۴۰۱

برخی از شاگردان میرزا حسن که مؤلف کتاب تاریخ حکما و عرفای متأخر از آنها نام برده، عبارتند از:

۱. استادنا الاقدم جناب آقا بزرگ حکیم شهیدی رضوی (قدس سره)
۲. سید الحکیم السید ابوالحسن القزوینی طاب ثراه کما حدثنی به بنفسه فی ۹ بهمن ۱۳۵۰
۳. شیخ الرئيس ابوالحسن میرزای قاجار حیرت
۴. قدوة الحکماء المتألهین آقای آقا میرزا احمد آشتیانی
۵. آقای آقا احمد بن هادی بن محمود بن آقا محمد علی کرمانشاهی
۶. آقای شیخ اسدالله ایزدگشسب گلپایگانی (ناصر علی) از مشایخ نعمة اللهیه علی ما قال نفسه
۷. آقا میرزا حبیب الله ذوالفنون عراقی ریاضی
۸. آقا میرزا حسن شرف الملک فلسفی پور برومند استاد الاساتید آقا علی مدرس
۹. الحجة الآیه السید حسین بن السید محمود القمی الطباطبائی
۱۰. آقا شیخ حسین بن هادی رانکوهی لنگرودی

میرزا حسن کرمانشاهی حدود نیم قرن مشغول تدریس معقولات بوده است؛ از جمله تدریس در مدرسه سپهسالار قدیم از حدود ۱۲۸۵ تا آخر عمرش یعنی سال ۱۳۳۶. تدریس او منحصر در یک مدرسه نبوده، بلکه در مدارس متعددی (از جمله: مدرسه دانگی، مدرسه منیریه یا سیدنصرالدین<sup>۱</sup>، سپهسالار قدیم و سپهسالار جدید) تدریس میکرده است. بنابراین شاگردان این حکیم فاضل منحصر در آنچه صدوقی سها بیان کرده، نیست و حتماً تعداد بسیاری از طالبان علم در مجلس درس این حکیم شرکت میکردند که نام برخی از آنها از قلم افتاده و برخی نیز به مدارج عالیتر نرسیده‌اند، بهمین دلیل نامشان در تاریخ نیامده است. طبق تحقیقات و جستجوهای که نگارنده انجام داده، شاگردان مشهور میرزا منحصر در آنچه صدوقی سها بیان کرده نیست و افراد مشهور دیگری نیز هستند که از جمله آنها میتوان به افراد زیر اشاره کرد:

۱. آقا بزرگ تهرانی: سیدجلال‌الدین آشتیانی در معرفی او تصریح میدارد که آقا بزرگ علاوه بر اساتید مشهد، مدتها در تهران در حوزه درس آقا میرزا هاشم اشکوری و آقا میرزا حسن کرمانشاهی حاضر شده است (آشتیانی، ۱۳۶۰: ب: ۱۴۸؛ همو، ۱۳۴۷: ۳۲).
۲. سیدمحمد تفرشی قمی: آقا بزرگ تهرانی در معرفی او مینویسد:  
هو السید محمد بن السید حسین بن ابی الحسن الحسینی التفرشی

۱۰۳



عباسعلی منصوری سرابی؛ شخصیت و جایگاه علمی حکیم میرزا حسن کرمانشاهی در تاریخ فلسفه و ...

الوزوئی القمی؛ عالم و فاضل. ولد بقم حدود سنه ۱۲۷۹. تلمذ علی الحاج  
آغاخوند ملا غلام رضا و المیرزا الأشتیانی و میرزا حسن کرمانشاهی و  
میرزا جلوه (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۸۸: ۵/ ۱۹۶).

۳. میرزا محمد علی خان تهرانی

۴. حکیم متأله، آقا سید حسین بادکوبه‌ای: از علمای شیعه در قرن چهاردهم و از  
مدرسان معروف فلسفه در حوزه نجف بود. علامه طباطبایی و آیت‌الله خویی از شاگردان  
او هستند. سیدجلال‌الدین آشتیانی در شرح حال علامه طباطبایی، سیدحسین بادکوبه‌ای را  
بعنوان یکی از اساتید او معرفی میکند و در معرفی این استاد مینویسد:

حکیم متأله آقا سیدحسین بادکوبه‌ای از اساتید علوم مختلف عقلی و خود از  
تلامذ اساتید طهران مرحوم جلوه و آقا میرزا هاشم رشتی و آقا میرزا حسن  
کرمانشاهی بودند (آشتیانی، ۱۳۴۷ الف: ۴۹؛ گلی زاوره، ۱۳۷۵: ۳۹).

از آنجایی که بادکوبه‌ای در مدرسه صدر تهران مشغول فراگیری علوم معقول بوده،  
ممکن است در همین مدرسه در مجلس درس میرزا حسن شرکت کرده باشد.  
۵. استاد محمد سنگلجی: روحانی، فقیه، حقوقدان و استاد دانشکده حقوق دانشگاه  
تهران، برادر شریعت سنگلجی مشهور یعنی آقا شیخ رضا قلی نوری مشهور به شریعت  
سنگلجی است.

### آثار و تألیفات حکیم میرزا حسن کرمانشاهی

میرزا حسن فیلسوفی شاگردپرور بوده و بیشتر وقت خود را در همین راه صرف کرده  
اما با وجود این، وی صاحب تألیفاتی نیز بوده که نشان میدهد جایگاه ایشان در تاریخ  
فلسفه این سرزمین، صرفاً بعنوان یک مدرس ماهر و حلقه انتقال سنت فلسفی به نسلهای  
پس از خود نیست. تألیفات وی عبارتند از:

(۱) تعلیقات بر طبیعیات و الهیات شفا

(۲) حواشی بر کتاب اسفار

(۳) شرح اشارات

(۴) شرح شفا

تقریباً بیشتر منابع مشهوری که به زندگی میرزا حسن کرمانشاهی پرداخته‌اند و میتوان  
به گزارشهای آنها اعتماد نمود، آثار فوق را جزو آثار میرزا حسن میدانند (صدوقی سه‌ها،

۱۰۴



سال ۱۳، شماره ۲  
پاییز ۱۴۰۱



۱۳۸۱: ۴۳؛ آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۷۲: ۲/ ۴۲۷؛ آشتیانی، ۱۳۶۰ الف: ۱۱).

(۵) قصیده‌یی بلند در مدح امام حسین(ع): متأسفانه این قصیده مانند دیگر آثار میرزا حسن چاپ نشده و در کتابخانه آیت‌الله گلپایگانی (در قم) در قسمت آثار خطی و در ضمیمه دیوان ملا پریشان موجود است. این قصیده بزبان فارسی سروده شده و ۲۰۱ بیت و ۱۵ صفحه دست‌نویس است، آغاز قصیده چنین است:

ای خون تو را غیر خدا هیچ بهانه  
وی رحمت حق را به همه خلق بهانه  
هر کس به زبانی ز غمت نوحه سراید  
بلبل به نواخوانی و قمری به ترانه  
جز بهر عزای تو نباشد که نماید  
مرغ سحری ناله به آهنگ شبانه  
باران ز سحاب و ز زمین چشمه و انهار  
از چشم و زبان در غم تو گشته روانه

ظاهراً قسمتی از ابیات این قصیده بزبان عربی است. نمونه‌یی از ابیات عربی آن چنین است:  
مالکعبه فی العشق، سوی حضرتک القدس  
از نام تو صد نامه برند اهل فطانه  
داعیه بدا فی اسمک العارف جهرا  
ما انطق فی ذلک بالصدق لسانه

(۶) اجوبة المسائل: محققانی که در مورد میرزا حسن کرمانشاهی تحقیق کرده‌اند یا گزارشهایی از وجوه مختلف زندگی او بیان نموده‌اند، به این اثر اشاره نکرده‌اند. نگارنده در حین انجام پژوهش حاضر و جستجوی مفصل برای پیدا کردن مطالب در مورد میرزا حسن، بصورت اتفاقی به این اثر برخورد کرده است. این اثر نیز بصورت مستقل چاپ نشده، بلکه در ضمن رساله‌های دیگر قرار گرفته و یکی از کارهای شیخ محمدباقر القهی الاصبهانی (که از بزرگان شیخیه بوده است)، گردآوری اجوبة المسائل است. «اجوبه مسائل میرزا محمد حسن کرمانشاهی» نام یکی از این رساله‌هاست (حسینی اشکوری، ۱۳۹۳: ۱/ ۳۴۷). ظاهراً آثار شیخ محمدباقر به فارسی و عربی گردآوری شده و ممکن است رساله میرزا حسن نیز در ضمن آنها موجود باشد.

۱۰۵

### گستره مهارتی و دانشی میرزا حسن کرمانشاهی

میرزا حسن کرمانشاهی حکیمی ذوالفنون بوده که در شاخه‌های مختلف علوم از جمله الهیات و فلسفه تبحر داشته، بگونه‌یی که بحق شایسته عنوان علامه است. گرچه عمده علاقه و مهارت میرزا حسن در تدریس، مربوط به تدریس فلسفه مشاء و نیز آثار ملاصدرا بوده، اما بر اساس گزارشهایی که از شاگردان وی و مجالس درس او بدست ما رسیده،



وی در تدریس منطق، کلام، فلسفه مشاء، فلسفه ملاصدرا، عرفان، طب و ریاضیات قدیم متبحر و توانمند بوده است. این گستره دانشی و این حد از جامعیت در علوم، میرزا حسن را از معاصران خود متمایز میسازد زیرا هرچند اساتید میرزا حسن کرمانشاهی نیز فیلسوفانی جامع بوده‌اند اما با توجه به توانایی میرزا حسن در تدریس طب و طبیعیات و ریاضیات، میتوان ادعا نمود که کمتر استادی در عصر او اینچنین در شعب مختلف علوم فلسفی و الهی جامع و توانمند بوده است. منوچهر صدوقی سها در کتاب تاریخ حکما و عرفای متأخر به جامع بودن میرزا حسن کرمانشاهی تصریح کرده و مینویسد:

حق حقیق به تحقیق بدین مقام این است که گفته شود که جناب میرزای کرمانشاهی به عین جامعیت مشارب گوناگون فلسفی و تزلج به جمله آن، چندان متمایل به مشرب مشاء میبوده است که به حذاقت در آن نامبردار گردیده است و العلم عنده وحده (صدوقی سها، ۱۳۸۱: ۴۳۵).

سیدجلال‌الدین آشتیانی نیز در معرفی اساتید سیدمحمدکاظم عصار میگوید که میرزا حسن در جمیع فنون و معارف الهی و اقسام فلسفه، استاد مسلم بود. اصل عبارت ایشان چنین است:

آقا میرزا حسن در جمیع فنون معارف الهیه و انواع و اقسام از مشاء و اشراق و عرفان و طب و اقسام ریاضی استاد مسلم بود ولی در حکمت مشاء و کلمات شیخ الرئیس بر جمیع معاصران خود ترجیح داشت و انواع و اقسام کتب را تدریس مینمود (آشتیانی، ۱۳۴۷: ب: ۹۵۳).

همانطور که آشتیانی اشاره کرده میرزا حسن علاوه بر فلسفه در طب، طبیعیات و ریاضیات نیز صاحب مهارت بوده است. سید حسین نصر نیز او را بعنوان کسی که متخصص تدریس فلسفه مشائی، ریاضیات و طب بوده، معرفی میکند (نصر، ۱۳۸۵: ۳۱).

از شواهد دال بر جامعیت میرزا حسن کرمانشاهی اینست که در عین حال که او در فلسفه مشائی در میان معاصران خود شهرت داشته، بر فلسفه ملاصدرا نیز کاملاً مسلط بوده است و توانایی او بر فهم و تدریس کتب ملاصدرا به اندازه‌ی است که هم از عهده تدریس مشکلترین قسمتهای کتاب اسفار برمی‌آید و هم شاگردان و جویندگان فلسفه، ترجیح میدادند که فلسفه ملاصدرا را از محضر این حکیم بیاموزند. سیدجلال‌الدین آشتیانی در شرح مقدمه قیصری میگوید:

۱۰۶



همه اساتید عصر اقرار داشتند که معاصران مرحوم آقا میرزا حسن، مباحث نفس اسفار و امور عامه این کتاب و کتب مشائیه را نمیتوانند مانند وی تدریس کنند (آشتیانی، ۱۳۷۵ الف: ۳۷).

در مباحث بعدی در مورد مشرب فلسفی میرزا و نسبت او با فلسفه مشاء و حکمت متعالیه با تفصیل بیشتری سخن خواهیم گفت.

نکته قابل تأمل دیگر درباره گستره دانشی میرزا حسن اینست که او در عین حال که علاقه خاص به فلسفه داشته و توانایی و شهرت او در همین راستا بوده، نه تنها عرفان ستیز نبوده، بلکه عرفان برای او به اندازه‌ی اهمیت داشت که توانسته به مقام تدریس کتب عرفانی برسد، بگونه‌ی که آشتیانی معتقد است که میرزا در عرفان به سبک محیی‌الدین و پیروان او صاحب حظی وافر بود (همو، ۱۳۷۲: ۷۲). در ضمن گزارشهایی وجود دارد که نشان میدهد او کتب عرفانی را نیز تدریس میکرده است، از جمله سیدجلال‌الدین از حاج شیخ مهدی امیرکلاهی نقل میکند که ایشان فرمود من با چند نفر از دوستان مقدمه قیصری را خدمت میرزای کرمانشاهی قرائت کردیم؛ ایشان عبارات را خوب تقریر میکرد (همو، ۱۳۷۶ الف: ۱۵۹).

نکته دیگر اینست که میرزا در کنار تدریس کتب فلسفی، به تدریس کتب کلامی نیز مشغول بوده است و این صرفاً مربوط به دوران آغازین تدریس وی نبوده، بلکه در اواخر عمر نیز به تدریس کتب کلامی اشتغال داشته است. شاهد بر این مطلب، حاشیه آیت‌الله سیدابوالحسن قزوینی بر کتاب شوارق الالهام است. در حاشیه صفحه ۴۷ کتاب شوارق به خط آن حکیم بزرگوار مرقوم است که «کذا سمعت عن استذنا الحکیم الفیلسوف دام ظلّه العالی فی بعض تقریراته فی الدرس» و در تعیین این استاد میگوید «و هو مولانا المیرزا حسن الکرمانشاهی مد ظلّه» (محقق، ۱۳۹۵: ۲۳).

۱۰۷

### عمق اندیشه و قدرت تحلیل میرزا حسن کرمانشاهی

جایگاه و مقام علمی میرزا حسن در فلسفه و الهیات، صرفاً بدلیل گستره اطلاعات و مهارت او در شعب مختلف علوم فلسفی و الهیاتی نیست، بلکه او فیلسوفی صاحب دقت نظر، عمق اندیشه و توانایی تحلیلی است، بگونه‌ی که شیخ آقا بزرگ تهرانی در معرفی او از تعبیر «من افاضل الحکماء و اکابر الفلاسفه» بهره میبرد که نشان از مقام بلند این حکیم در نظر



اوست (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۳۰: ۱۳ / ۳۷۳). سیدجلال‌الدین آشتیانی در معرفی میرزا حسن از تعبیر «مرحوم آقا میرزا حسن کرمانشاهی در جمیع فنون حکمی فرید عصر و وحید دهر خود بود» استفاده کرده است (آشتیانی، ۱۳۷۸: ب / ۱ / ۲۸۹) و آیت‌الله محمدتقی آملی در بیان اینکه در معقولات شاگرد میرزا حسن بوده، از میرزا با عنوان «مرحوم خلد مکان رضوان آشیان العارف بالله و العالم الماهر فی الحکمة المتعالیة و طریقہ المشاء المیرزا حسن الکرمانشاهی نور الله تربته» (همو، ۱۳۴۵: ۵۴) یاد کرده است.

بهترین شاهد بر این مدعا که میرزا حسن صاحب عمق اندیشه و از سرآمدان عصر خود بوده، این سخن سیدجلال‌الدین آشتیانی است که میرزا را جامعترین فیلسوف بعد از حکمای اربعه تهران معرفی نموده است (همو، ۱۳۶۰: ب / ۱۲۸).

شاهد دیگری که دال بر عمق اندیشه و قدرت تحلیل میرزا حسن کرمانشاهی است و نشان می‌دهد که نسبت میرزا با میراث فلسفی، صرفاً مقام شارح و مدرس نبوده، مطلبی است که علامه شعرانی در بحث حرکت بیان میکند. علامه در ترجمه و شرح در بحث اینکه در حرکت آنگاه که مسافت دارای زاویه باشد یا حرکت اختلافی باشد - یعنی پس از رسیدن به مقصد دوباره برگردد - میان دو حرکت سکون تخلل می‌یابد، پس از توضیحاتی، شبهه‌یی را مطرح میکند و راه‌حل خود را برای پاسخ به این شبهه از راه‌حل ملاصدرا بهتر میدانند و در تأیید سخن خود می‌گوید که:

در حاشیه شفا از استاد بزرگوار، مرحوم میرزا حسن کرمانشاهی قدس سرّه  
پس از نقل قول صدرالمتألهین که میفرمود «ریگ سکون ذاتی دارد بین دو  
حرکت صعود و هیبوط و حرکت بالعرض ممکن است مانند کشتی‌سواران ذاتاً  
ساکن باشند و متحرک بالعرض» نقل کرده‌اند که خود (یعنی میرزا حسن)  
آن را نپسندید و آن وجه که ما (ظاهراً یعنی شعرانی) گفتیم بعبارت کلی و  
اعم اولی است (شعرانی، ۱۳۷۲: ۱ / ۳۷۷).

### مشرب فلسفی میرزا حسن کرمانشاهی؛ صدرایی یا مشائی؟

میرزا حسن کرمانشاهی فیلسوفی جامع است که به تعبیر سیدجلال‌الدین آشتیانی در جمیع فنون معارف الهیه و انواع و اقسام فلسفه‌ی مشاء و اشراق و عرفان و طب و اقسام ریاضی استاد مسلم بوده است، اما در مورد اینکه آیا مشرب فلسفی میرزا حسن، مشائی است یا صدرایی، بین منوچهر صدوقی سها و سیدجلال‌الدین آشتیانی - که در میان

معاصرین، بیشترین شناخت را از میرزا حسن کرمانشاهی دارند. اختلاف نظر وجود دارد. البته باید توجه داشت که اختلاف نظر هر دو استاد در این نیست که آیا میرزا حسن در تدریس کتب ملاصدرا مهارت داشته است یا نه، زیرا هر دو متفق القولند که میرزا حسن در تدریس فلسفه صدرایی توانا بوده است. بنابراین موضع اصلی اختلاف آنها در واقع در اینست که آیا میرزا حسن در فلسفه مشرب مشائی داشته و فلسفه ابن‌سینا را برتر میدانسته یا فلسفه صدرایی را؟

ظاهراً پاسخ صدوقی سه‌ها به پرسش بالا اینست که باید مشرب فلسفی میرزا حسن را مشائی بدانیم. او میرزا حسن را فیلسوف مشائی مینامد و از او بعنوان خاتم الحکماء المشائین یاد میکند. روشن است که وقتی فیلسوفی را مشائی مینامیم به این معنا نیست که او در تدریس حکمت مشاء توانمند است، بلکه به این معناست که مکتب فلسفی برتر نزد او فلسفه مشائی است. بهتر است که توضیح و تفصیل این اختلاف نظر را از زبان صدوقی سه‌ها در کتاب تاریخ حکما و عرفای متأخر بخوانیم و در ادامه به تحلیل بیشتر این موضوع بپردازیم. منوچهر صدوقی سه‌ها در باب مشرب فلسفی میرزا حسن کرمانشاهی مینویسد:

آنچه معروف است اینست که آن بزرگ (جناب آقا میرزا حسن) متمایل به مشرب مشائیه می‌بوده است و بلکه خاتمة الحکماء المشائین، و لکن اخیراً دیده شده است که حضرت سید الحکماء الابرار و اولی الایدی و الابصار سیدنا السید جلال‌الدین الآشتیانی که ایام افادات عالیات او دراز باد در افادات آورده است که: «در مقام معرفی اساتید طهران مغفور له آقا میرزا حسن کرمانشاهی را علی الاطلاق فیلسوف مشائی دانسته‌اند که از اغلاط است. او آخرین فیلسوف مشائی نبود چه آنکه استادان او همه در حکمت متعالیه استاد بودند...

چنانکه از متن بالا مشهود است اختلاف صدوقی سه‌ها و آشتیانی در این نیست که آیا میرزا در تدریس کتب ملاصدرا توانا بوده است یا خیر بلکه در اینست که میرزا به کدام مکتب فلسفی متمایل بوده و آن را برتر میدانسته است. عبارت آخر صدوقی سه‌ها نشان میدهد که وی میرزا حسن را متمایل به مکتب مشاء میدانند. اما بنظر میرسد آشتیانی با این مطلب موافق نیست. او در تصحیح رسائل حکیم سبزواری مینویسد:

۱۰۹



اینکه در برخی از آثار، مرحوم آقا میرزا حسن کرمانشاهی، که یکی از اکابر حکما بعد از ملاصدرا است، را آخرین فیلسوف مشائی قلمداد نموده‌اند، اشتباه بلکه از اغلاط صرفه است؛ چه آنکه آن حکیم متأله یکی از مدرسان بزرگ اسفار محسوب میشد و در تدریس امور عامه خصوصاً مباحث حرکت و سفر نفس اسفار نظیر نداشت و در مقام تدریس شفا و شرح اشارات انظار ملاصدرا را نقل و در نتیجه در حل عویصات نظر نهائی بعقیده میرزا، خاص ملاصدرا بود. آقا میرزا حسن کرمانشاهی در دوران تحصیل کتب ملاصدرا را قرائت نموده است. آن هم نزد استادانی که خود تخصص در فلسفه آخوند یعنی حکمت متعالیه داشتند. میرزا معتقد بود باید کتب ابن‌سینا مستقلاً تدریس شود، چه آنکه پایه و زمینه اباحت در فلسفه اسلامی را در شفا و اشارات باید دید اگرچه صدرالمتألهین روحی تازه بر کالبد فلسفه دمید (آشتیانی، ۱۳۷۶: ب: ۵۵).

در این عبارت دو مطلب وجود دارد که نشان میدهد که سیدجلال‌الدین آشتیانی در مورد مشرب فلسفی میرزا حسن، نظری مخالف نظر صدوقی سها دارد. مطلب اول اینست که ایشان تأکید دارد که میرزا حسن در مقام تدریس شفا و شرح اشارات، آراء ملاصدرا را نقل مینموده و در حل عویصات، نظر نهایی را نظر خاص ملاصدرا میدانسته است (البته آشتیانی در اینجا مدرکی برای این مدعا ذکر نمیکنند) و مطلب دوم اینست که وی تأکید دارد که از نظر میرزا، ملاصدرا روحی تازه بر کالبد فلسفه دمیده است. این دو مطلب به‌اندازه کافی میتواند نشاندهنده این باشد که میرزا حسن فلسفه ملاصدرا را أرجح میدانسته است.

### شواهدی دال بر مشائی بودن مشرب فلسفی میرزا

(۱) همچنان که از متن صدوقی سها در باب مشرب فلسفی میرزا حسن استنباط میشود، او معتقد است، شهرت میرزا حسن به مشائی بودن و تسلط او بر حکمت مشاء، شاهد و اماره خوبی بر مشائی بودن مشرب فلسفی این حکیم است. بنظر میرسد در این جهت حق با صدوقی سها است، یعنی واقعاً شهرت و تمایز میرزا حسن در توانایی و مهارت او در تدریس کتب شیخ بوده است چنانکه علامه حسن‌زاده آملی در کتاب عرفان و حکمت متعالیه مینویسد:

از زمان حکیم بزرگ، استاد الحکماء و الفلاسفه، ملاعلی نوری مازندرانی

- رضوان الله تعالى عليه- تاکنون، هر چند علمای الهی که همه آنان و یا اکثرشان از شاگردان بیواسطه یا معالواسطه همین حکیم متأله ملا علی نوری‌اند (و) بر کرسی شریعت غراء، معارف حقه محمدیه را بر نفوس مستعد، القاء میفرمودند و علم‌پروری و عالم‌پروری مینمودند، لکن مرحوم ملا علی نوری و حکیم سبزواری، در تعلیم حکمت متعالیه و تدریس کتب صدرالمتألهین و مرحوم آقا میرزا محمدرضا قمشه‌ای و آقا میرزا هاشم اشکوری در تعلیم حقایق عرفانیه و تدریس صحف محیی‌الدین عربی و مرحوم میرزا حسن کرمانشاهی در تعلیم حکمت مشاء و تدریس زبر شیخ الرئیس، شاخص بوده‌اند و در شاگردپروری و نشر اصول معارف انسانی، ممتاز. هر یک در فن دیگری، کمال تبحر را داشته است؛ جز اینکه در یک سمت شهرت یافته است؛ با حفظ این که والذین اوتوا العلم درجات (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۰: ۷۱).

همچنین سیدمحمدکاظم عصار در اشاره به زندگی علمی و تحصیلی خود در باب کیفیت فراگیری فلسفه بر متخصص بودن میرزا در فلسفه مشاء تصریح نموده و مینویسد:

و اما ما یختص بشعب الفلسفه و العرفان، هذا الشیء الذی اذکره تماماً. فقد استغرق تحصیلها من سنه ۱۳۱۹ هجریه حتی ۱۳۲۷ علی النحو الآتی. فاما طریقته المشاء و اکثر کتب الشیخ فد اکتسبتها من محضر تحقیق المرحوم ساکن الجنان آقا میرزا حسن کرمانشاهی اعلی الله مقامه. و اما الحکمه المتعالیه و الاسفار الاربعه و الی جانبها الشواهد الربوبیه و المبدأ و المعاد و تفسیر آیه النور من آثار صدرالدین الشیرازی، فقد درستها علی نزیل الخلد آقا میر شهاب‌الدین نیریزی بیانه الوافی فی محفلین علمیین. و قد کان للمرحوم مجلسان للعلم و تکمیل المشتاقین و المستعین: احدهما مجلس علنی و الآخر سرّی کان خاصا بکشف الاسرار الالهیه بعنوان تفسیر الالقاء. و اما العرفان کالفصوص و مفتاح الغیب و تمهید القواعد فقد حصلتها من طریق تشریفی بحضره العالم العامل الکامل الاستاذ العالمه المرحوم مقیم الفردوس آقا میرزا هاشم اشکوری الجیلانی من اجله أساطین الفلسفه و العرفان (آشتیانی، ۱۳۷۶ الف: ۹۳).

بنظر میرسد شهرت میرزا حسن در فلسفه مشاء و اقبال شاگردان به او برای فراگیری کتب شیخ، نشان از این موضوع دارد که همعصران میرزا چنین احساس میکردند که او

دل در گرو فلسفه شیخ دارد و الا اگر او را حکیمی میدیدند که مشرب صدرایی دارد شاید این اقبال و شهرت برای او حاصل نمیشد.

(۲) گرچه یکی از آثار میرزا حسن شرح او بر اسفار ملاصدراست اما با توجه به غروب فلسفه مشاء در عصر میرزا و عدم توجه جدی به کتب شیخ، تلاش میرزا حسن برای نوشتن شرح بر اشارات و شفا و نوشتن تعلیقات بر طبیعیات و الهیات شفا، نشان از علاقه خاص ایشان به فلسفه شیخ دارد.

(۳) همچنان که در بخش مربوط به عمق اندیشه و توانایی تحلیل فلسفی میرزا حسن گذشت، سیدجلال‌الدین آشتیانی نقل میکند که میرزا حسن کرمانشاهی بر این عقیده بود که باید مبنا و مبدأ کلمات و آراء ملاصدرا را در فلسفه ابن‌سینا جستجو نمود. این نوع رویکرد به فلسفه ابن‌سینا بیانگر آن است که میرزا حسن، مقام و منزلت بالایی برای فلسفه شیخ قائل بوده است و آن را داری این استعداد و ظرفیت میدیده است که میتواند به آراء و دیدگاههای تازه‌ی بینجامد. روشن است که کسی میتواند در مورد فلسفه شیخ این چنین سخن بگوید که احساس نکند که بعد از شیخ مکتب فلسفی‌ی ظهور کرده که بدیل فلسفه شیخ شده است.

(۴) شاهد دیگری که میتواند نشان از مشائی بودن مشرب فلسفی میرزا حسن داشته باشد اینست که ایشان به تدریس علوم‌ی که مضامین آنها با فلسفه صدرایی قرابت بیشتری دارد (عرفان، تفسیر و حکمت اشراق) کمتر ورود نموده است و بیشتر به تدریس فلسفه مشائی پرداخته است.

### شواهدی دال بر صدرایی بودن مشرب فلسفی میرزا

(۱) به اعتقاد آشتیانی، میرزا حسن در تدریس فلسفه ملاصدرا و قسمت‌های سخت کتب وی مهارت و توانایی بالایی داشته است. از آنجاییکه سندی در دست نیست که نشان دهد توجه میرزا به آثار ملاصدرا بدلیل نقد دیدگاههای وی بوده است، یا میرزا در تدریس کتب صدرالمآلهین رویکرد نقادانه داشته است، این توجه و مهارت و عدم مواجهه نقادانه میتواند بیانگر این مطلب باشد که میرزا حسن به محتوای فلسفه ملاصدرا التفات و تمایل داشته است.

(۲) اگر میرزا حسن مشرب مشائی داشته است، با توجه به شهرت وی در زمانه خودش و نیم قرن تدریس، میبایست این تمایل شیخ بر همعصرانش آشکار شده باشد. با این وصف قاعدتاً کسانی که در پی فهم فلسفه ملاصدرا بوده‌اند باید ایشان را در این راه بعنوان استاد اختیار نکنند و حال آنکه توجه طالبان علم برای فراگیری فلسفه ملاصدرا از



محضر میرزا حسن فراوان بوده است و وی را در فلسفه ملاصدرا استاد ماهر میدیده‌اند همچنانکه آیت‌الله محمدتقی آملی در شرح حال زندگی به قلم خود و با حالت گزارش‌گونه برای مجله معارف اسلامی مینویسد:

...برای ادامه تحصیل به محضر اساتید دیگر که اعظم آنها قدوه اهل المنقول مرحوم حاج عبدالنبی نوری نورالله مضجعه بود و مشرف گردید و اساتید دیگر در معقول که اعظم آنها مرحوم خلد مکان رضوان آشیان العارف بالله و العالم الماهر فی الحکمة المتعالیة و طریقة المشاء المیرزا حسن الکرمانشاهی نور الله تربته ادراک نمود و از محضرشان خوشه‌چینی نمود (آشتیانی، ۱۳۴۵: ۵۴).

(۳) نکته دیگر اینست که ما میدانیم که ابوالحسن قزوینی سال ۱۳۳۳ قمری به تهران می‌رود و در درس اسفار میرزا شرکت میکند (رضانژاد، ۱۳۷۸: ۳). این بدان معناست که میرزا در اواخر عمر نیز مشغول تدریس کتب ملاصدرا بوده است که میتواند نشان از توجه جدی او به فلسفه ملاصدرا باشد.

(۴) یکی دیگر از شواهد که در نوع خود قابل تأمل است اینست که میرزا حسن با اصول اساسی فلسفه ملاصدرا (همچون بحث حرکت جوهری) مخالفتی نکرده است و حتی معتقد بوده استاد مشائی او یعنی حکیم جلوه نتوانسته است این مطلب را بدرستی فهم کند. یعنی میرزا حسن نه تنها با استاد مشائی خود در نقد نظریه حرکت جوهری همراهی کرده است بلکه این نقدها را ناشی از فهم نادرست نظریه دانسته است.

آنچه از شواهد بالا استفاده میشود اینست که براحتی نمیتوان مشرب فلسفی میرزا حسن کرمانشاهی را مشائی یا صدرایی دانست، داوری درست در اینباب منوط به بررسی آثار اوست. اما با توجه به شواهد و مطالب بالا، شاید داوری درست در این مقام این باشد که باید میرزا حسن کرمانشاهی را در گروه فلاسفه مشائی مشرب قرار دهیم، البته با این توضیح که مشائی بودن مشرب فلسفی میرزا حسن به این معنا نیست که وی نظام فلسفی شیخ‌الرئیس و آراء او را نسبت به نظام فلسفه صدرالمآلهین برتر میدانند یا فلسفه ملاصدرا را نوعی پس‌رفت یا انحراف تلقی میکند یا حتی روش فلسفی ملاصدرا را خروج از فلسفه میدانند به این معنا که میرزا حسن ضمن اذعان به نوآوریها و دستاوردهای مکتب ملاصدرا، میان فلسفه ملاصدرا و فلسفه ابن‌سینا فاصله‌یی عمیق نمی‌بیند و خاستگاه فلسفه صدرایی را فلسفه سینوی میدانند. یعنی بر این باور است که نظام فلسفی ابن‌سینا

۱۱۳



عباسعلی منصوری سرابی؛ شخصیت و جایگاه علمی حکیم میرزا حسن کرمانشاهی در تاریخ فلسفه و ...

این ظرفیت و توانایی را دارد که به فلسفه ملاصدرا بینجامد.

### جایگاه عرفان در اندیشه میرزا

قبل از بحث درباره نسبت میرزا حسن با اندیشه عرفانی، لازم است به این نکته مهم اشاره شود که وی متعلق به مکتب یا حوزه فلسفی تهران است و این حوزه، نه تنها عرفان‌ستیز نبوده است بلکه رابطه‌ی خوب با عرفان دارد. همچنانکه نویسنده کتاب مکتب حکمی تهران بدرستی به این مطلب اشاره نموده است:

گرچه در تهران تصوف بعنوان یک مشی اجتماعی و بیرونی ظهور و بروز نداشته است اما تصوف بعنوان یک علم در کنار سایر علوم دینی مورد توجه بزرگان مکتب تهران بوده است و آن را علمی در عرض سایر علوم دینی میدانسته‌اند. ضمن اینکه بسیاری از ایشان در زندگی شخصی خود مشی عرفانی و گاه ریاضت‌های عارفانه داشته‌اند (شیخ، ۱۳۹۷: ۱۷۴).

مؤلف در این کتاب، نشانه و شاهد جدی این التفات را این میدانند که بزرگان مکتب تهران یعنی میرزای جلوه، آقا علی مدرس، آقا محمدرضا قمشه‌ای و بسیاری دیگر از حکمای تهران در فن عرفان تحقیق و تدریس داشته‌اند (همان: ۲۲۷).

البته مکتب تهران بیشتر به عرفان نظری توجه داشته است. این توجه گرچه سبب شکلگیری یک جریان منسجم نشده و حتی به تألیف کتب مهم و تاریخ‌ساز در اینباب نینجامیده است اما باید خاستگاه و ریشه نگاه مثبت حوزه‌های علیمه در دوران بعدی به عرفان و اهل سلوک را در مکتب تهران جستجو نمود. البته التفات مکتب تهران به عرفان نظری بمعنای عدم توجه بزرگان این مکتب به عرفان عملی و سلوک معنوی نبوده است اما چنانکه نویسنده کتاب مکتب حکمی تهران اشاره کرده، با وجود تمایل به سلوک معنوی، تعداد آثار منتشر شده از حکمای تهران در عرفان عملی بسیار کم است. یعنی علاوه بر اینکه توجه به سلوک در میان این بزرگان فردی بوده و اینگونه نیست که بتوان از آن یک روش سلوکی واحد و فراگیر استخراج کرد، نوشته‌ها و کاوشهای معرفتی آنان درباره عرفان عملی نیز اندک است (همان: ۲۵۱).

میرزا حسن کرمانشاهی که تربیت یافته مکتب تهران است، از رویکرد غالب این مکتب نسبت به عرفان و تصوف متمایز نبوده است. یعنی او نیز در مقام نظر و تدریس به کتب عرفانی توجه جدی داشته و در مقام عمل نیز حکیمی اخلاقی و معنوی بوده است.

۱۱۴



سال ۱۳، شماره ۲  
پاییز ۱۴۰۱

میرزا هم در مجلس درس حکیم محمدرضا قشمه‌ای شرکت میکرده و هم کتب عرفانی همچون مقدمه قیصری را تدریس مینموده و شاگردان حاضر در این درس اقرار کرده‌اند که میرزا عبارات این کتاب را خوب تقریر مینموده است (آشتیانی، ۱۳۷۶ الف: ۱۵۹). البته متأسفانه در مورد جزئیات فعالیت‌های میرزا در فراگیری و تدریس کتب عرفانی و درباره نوع نگاه و آراء او در این علم گزارشی بدست ما نرسیده است. اما نکته قابل توجه اینست که تأکید شده که میرزا حسن در تدریس متن عرفانی مقدمه قیصری توانمند بوده است. اینکه میرزا به تدریس کتب عرفانی پرداخته و اتفاقاً توانسته است از عهده تدریس کتاب بخوبی بر آید (آن هم در زمانی که وجود افراد شاخصی مانند حکیم قمشه‌ای و میرزا هاشم اشکوری، سطح انتظار از مجالس تدریس کتب عرفانی را بالا برده است) نشان از التفات و علاقه جدی میرزا حسن به این شاخه از علوم الهی دارد. البته با همه این توضیحات باید اذعان کرد که برجستگی میرزا حسن در فلسفه است نه عرفان.

### توانایی و مهارت در تدریس

میرزا حسن از زمان تدریس در مدرسه سپهسالار قدیم و مدرسه دانگی تا آخر عمر خویش در حدود نیم قرن بصورت پیوسته و جدی مشغول تدریس معقولات و الهیات بوده است و حتی در سال آخر عمر خود از تدریس در منزل به شاگردان دریغ ننموده، همچنانکه علامه حسن‌زاده آملی از آیت‌الله محمدتقی آملی اینگونه نقل میکند:

کتاب شرح اشارات من البدایه الی النهایه و سفر نفس اسفار و جمله‌ای از الهیات شفا و برخی از طبیعیات آن و معظمی از شرح فصوص قیصری خواندم، تا دوره روزگار منتهی به سنین قحط عظیم گردید، یعنی سنه هزار و سیصد و سی و شش (۱۳۳۶ق) مجاعه شدید روی داد و استاد معظم بواسطه فشار قحط و صدمه پیری به مدرسه نیامد و من سماجت کرده و دست از طلب نکشیدم با وجودی که خانام نزدیک خیابان میدان مشق و خانه ایشان نزدیک به دروازه غار بود، همه روزه بعد از ظهر به خانه ایشان رفته و از محضرشان استفاده میبردم تا بالأخره در همان سال آن مرحوم را سفر لقاءالله روی داده و قالب تهی کرده به منزلگاه حقیقی پیوست و رفاقت مالأعلی را اتخاذ نمود (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۵: ۴۲/۲؛ محقق، بی تا: ۲۱-۲۲).

میرزا در حدود نیم قرن تدریس الهیات و معقولات شاگردان بسیاری را تربیت نموده و بعد

از حکمای اربعه تهران، صاحب یکی از پر شورترین مجالس دروس معقول بوده است بگونه‌یی که طالبان علوم معقول غالباً به شرکت در مجالس درس او تمایل داشتند. این تمایل و اشتیاق ریشه در مهارت و توانایی میرزا حسن در تدریس و حسن معاشرت او با شاگردان دارد. تدریس کتب معقول صرفنظر از اینکه نیاز به فهم عمیق کتب فلسفی دارد، نیازمند توانایی و مهارت در تدریس و داشتن بیانی شیواست. بسیاری از افراد کتب فلسفی را خوب میفهمند و حتی میتوانند بر آنها تعلیقه و نقد بنویسند اما نمیتوانند مجلس درس جذاب و مفیدی داشته باشند.

### پی‌نوشت

۱. مدرسه منیریه، متصل به بقعه سید نصرالدین (در خیابان خیام تهران و نرسیده به چهارراه گل‌بندک) بوده و به همین اعتبار به مدرسه سید نصرالدین نیز معروف بوده است. این مدرسه از بناهای امیرنظام، حاکم تهران بود که بعد از فوت ایشان، خواهرش منیرالسلطنه (همسر ناصرالدین شاه)، به تکمیل آن همت گماشت و موقوفاتی از تهران و مازندران را برای هزینه‌های این مدرسه تعیین کرد (محمدحسن بن علی اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰: ۱/ ۹۵۴، چاپ ایرج افشار، تهران ۱۳۵۰ ش).

### منابع

- آشتیانی، سیدجلال‌الدین (۱۳۴۵) «چهره‌های درخشان: مختصری در شرح احوال استاد محمدتقی آملی»، مجله معارف اسلامی (سازمان اوقاف)، اسفند ماه، شماره ۲.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۴۷ الف) «چهره‌های درخشان: مختصری از شرح احوال و آثار استاد آقای حاج میرزا سیدمحمدحسین طباطبایی» مجله معارف اسلامی، شماره ۵، ص ۴۸-۵۰.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۴۷ ب) «چهره‌های درخشان: سیدمحمدکاظم عصار تهرانی»، مجله وحید، شماره ۱۰، سال پنجم.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۰ الف) تصحیح تمهید القواعد، تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۰ ب) تصحیح الشواهد الربوبیه، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۲) مقدمه بر رساله نوریه در عالم مثال، قم: سازمان تبلیغات اسلامی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۵ الف) شرح مقدمه قیصری، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۵ ب) تصحیح اصول المعارف، قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۶ الف) «به یاد محمدکاظم عصار»، مجله کله، شماره ۸۹ و ۹۳، ص ۱۶۱-۱۵۴.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۶ ب) تصحیح رسائل حکیم سبزواری، تهران: اسوه.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸ الف) تصحیح سه رساله فلسفی ملاصدرا (متشابهات القرآن - المسائل القدسیة -

۱۱۶



سال ۱۳، شماره ۲  
پاییز ۱۴۰۱

- اجوبه المسائل)، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸ب) منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، قم: تبلیغات اسلامی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۱) شرح بر زاد المسافر ملاصدرا، قم: بوستان کتاب.
- آقا بزرگ تهرانی، محمدحسین (۱۴۳۰) طبقات اعلام الشیعه، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۲) مصنفات شیعه، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، آستان قدس رضوی.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۳) الذریعة الی تصانیف الشیعه، بیروت: دار الأضواء.
- اعتماد السلطنه، محمدحسن خان (۱۳۵۰) روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، بکوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
- انصاریان، حسین (۱۳۸۶) عرفان اسلامی، قم: دار العرفان.
- ایزدگشسب، اسدالله (۱۳۴۵) شمس التواریخ، تهران: نقش جهان.
- حسن زاده آملی، حسن (۱۳۶۴) هزار و یک نکته، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۹) تعلیقه علی المنظومه، تحقیق مسعود طالبی، تهران: ناب.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۵) هزار و یک کلمه، قم: بوستان کتاب.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰) عرفان و حکمت متعالیه، قم: الف. لام. میم.
- حسینی اشکوری، احمد (۱۳۹۳) المفصل فی تراجم الاعلام، قم و تهران: مجمع ذخائر اسلامی.
- دبیری نژاد، بدیع الله (۱۳۵۳) «آیت الله محمد سنگلجی»، ماهنامه وحید، بهمن ماه، شماره ۱۳۴، ص ۹۰-۸۹-۹۰.
- رضانژاد، غلامحسین (۱۳۵۶) «معرفی کتاب (حکایتی طنزآمیز، بر شیوه کهن)»، شماره ۲۲۴، ص ۶۳-۶۶.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸) «یادی از حکیم و علامه فقید آیت الله العظمی آقا سید میرزا ابوالحسن ربیعی قزوینی»، کتاب ماه دین، شماره ۲۹، ص ۳-۹.
- سجادی، احمد (۱۳۸۳) میراث حوزه اصفهان، قم: مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء.
- شریف، مهدی (۱۳۵۶) «تاریخ مشروطیت ایران»، مجله وحید، آبان ماه، شماره ۲۱۹، ص ۶۶-۶۸.
- شعرانی، میرزا ابوالحسن (۱۳۷۲) ترجمه کشف المراد، قم: کتابفروشی اسلامی.
- شیخ، محمود (۱۳۹۷) مکتب حکمی تهران و عرفان اسلامی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۱۱۷ صدوقی سها، منوچهر (۱۳۵۱) «میرزا محمدحسن کرمانشاهی»، مجله ارمان، شماره ۳ خرداد، ص ۲۰-۸-۲۱۳.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۱) تاریخ حکما و عرفای متأخر (تحریر ثانی)، تهران: حکمت.
- طارمی، عباس (۱۳۷۷الف) «آشنایی با حوزه فلسفی / عرفانی تهران»، خردنامه صدرا، شماره ۱۳، ص ۶۵-۷۱.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۷ب) «آشنایی با حوزه فلسفی / عرفانی تهران»، خردنامه صدرا، شماره ۱۴، ص ۸۳-۸۸.
- عصار، سیدمحمدکاظم (۱۳۷۶) مجموعه آثار، تهران: امیرکبیر.
- فتحی، نصرت الله (۱۳۵۲) «سخنی چند درباره پیرایش و گسترش زبان فارسی و گامهایی که در این

عباسعلی منصوری سرابی؛ شخصیت و جایگاه علمی حکیم میرزا حسن کرمانشاهی در تاریخ فلسفه و ...



- راه برداشته شده است»، مجله وحید، اردیبهشت ماه، شماره ۱۱۳، ص ۱۶۶-۱۵۱.
- فخرایی، ابراهیم (۱۳۳۸) «رجال صدر مشروطیت میرزا احمد قزوینی»، مجله یغما، شماره ۱۲۹، ص ۴۵-۴۰.
- فراهانی، حسن؛ بهبودی، هدایت‌الله (۱۳۸۵) روز شمار تاریخ معاصر ایران، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- فلسفی، علی (۱۳۸۱) «در محضر آیه‌الله فلسفی»، مجله انتظار موعود، پاییز، شماره ۵، ص ۳۶-۲۷.
- قاسمی، رحیم (۱۳۹۳) فیض نجف، تهران: مجمع ذخائر اسلامی.
- کدیور، محسن (۱۳۷۵) «رساله وجود رابطنی حکیم مؤسس آقا علی مدرس»، مجله مفید، شماره ۷، ص ۷۰-۲۷.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸) مجموعه مصنفات حکیم مؤسس آقا علی مدرس طهرانی، تهران: اطلاعات.
- کسای، نورالله (۱۳۷۷) «مدارس قدیم تهران در عصر قاجار»، نامه فرهنگ، تابستان، شماره ۳۰، ص ۱۳۹-۱۱۴.
- گلچین عارفی، مهدی (۱۳۸۶) «مسجد و مدرسه سپهسالار قدیم»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۲۳، گلی زواره، غلامرضا (۱۳۷۵) «نامداری ناشناخته؛ سیری در زندگی و اندیشه‌های حکیم الهی سیدحسین بادکوبه‌ای» (قسمت اول)، مجله پاسدار اسلام، آبان ماه، شماره ۱۷۹، ص ۴۱-۳۸.
- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۷۹) نخبگان علم و عمل، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- محقق، مهدی (۱۳۹۵) زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم آیت‌الله سیدابوالحسن رفیعی قزوینی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- \_\_\_\_\_ (بی‌تا) زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی آیت‌الله شیخ محمدتقی آملی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- مدرس گیلانی، مرتضی (۱۳۶۲) فلسفه ما بعد الطبیعه، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰) مجموعه آثار، تهران: صدرا.
- موسوی روضاتی، مریم‌دخت (۱۳۹۴) گنجنامه دفتر ۳ (بناهای مذهبی تهران)، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ناجی اصفهانی، حامد (۱۳۷۸) مجموعه آثار حکیم صهبا: به همراه زندگینامه عارف الهی آقامحمدرضا قمشه‌ای، تهران: کانون پژوهش.
- نصر، سیدحسین (۱۳۸۵) «حکمت در تهران: گذری بر دیدگاه‌های فلسفی مکتب تهران»، روزنامه همشهری، خرداد ماه، شماره ۳، ص ۳۲-۳۰.
- همایی، جلال‌الدین (۱۳۴۶) «صفحه‌ای از تاریخ اصفهان»، مجله وحید، اسفند ماه، شماره ۵۱، ص ۳۳۹-۳۳۲.